



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



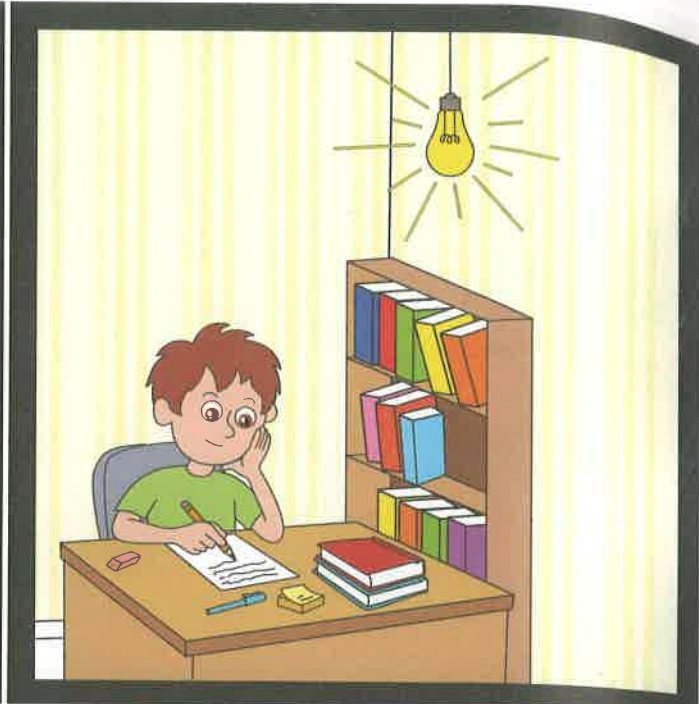
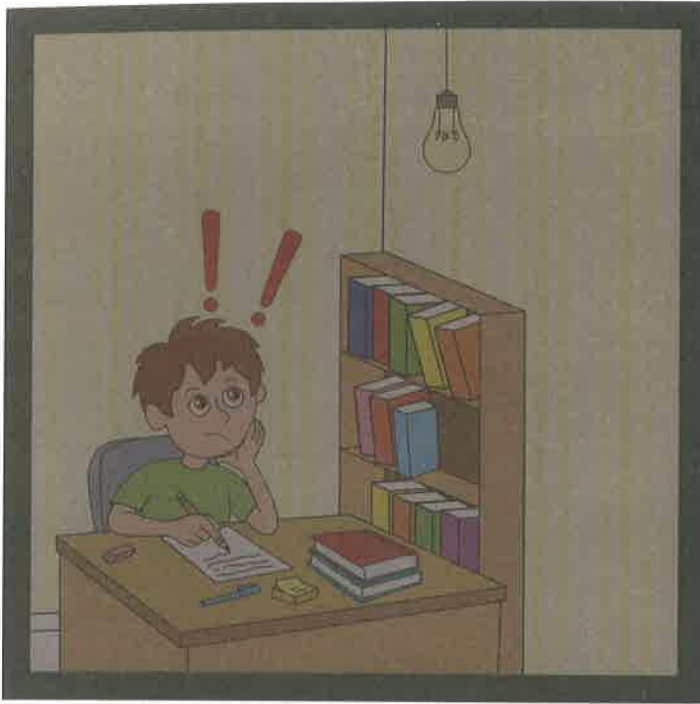
داستان های زنجیره ای ۲



مؤلف و داستان نویس: مریم دریانورد
آسیب شناس گفتار و زبان

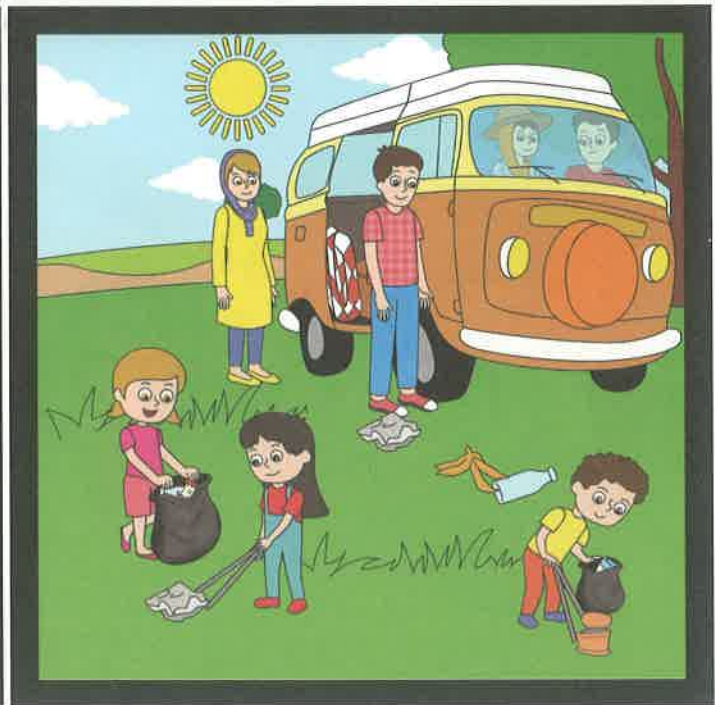
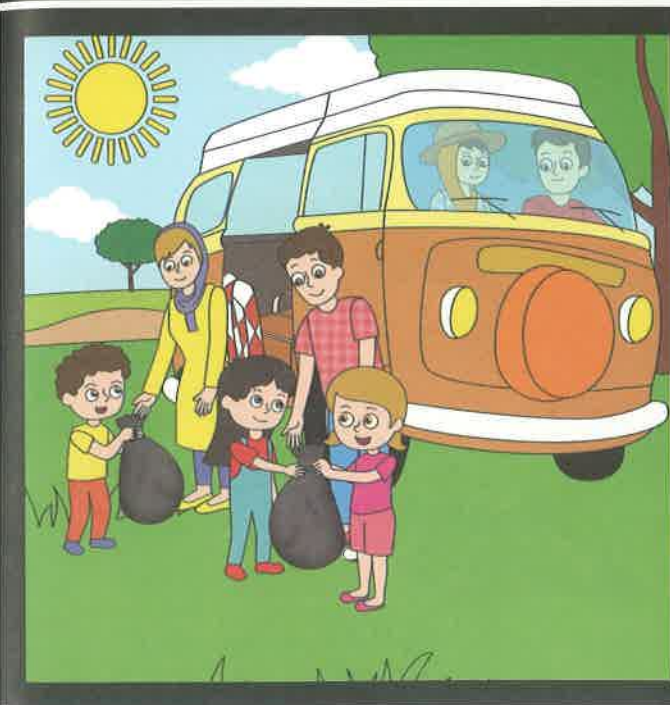
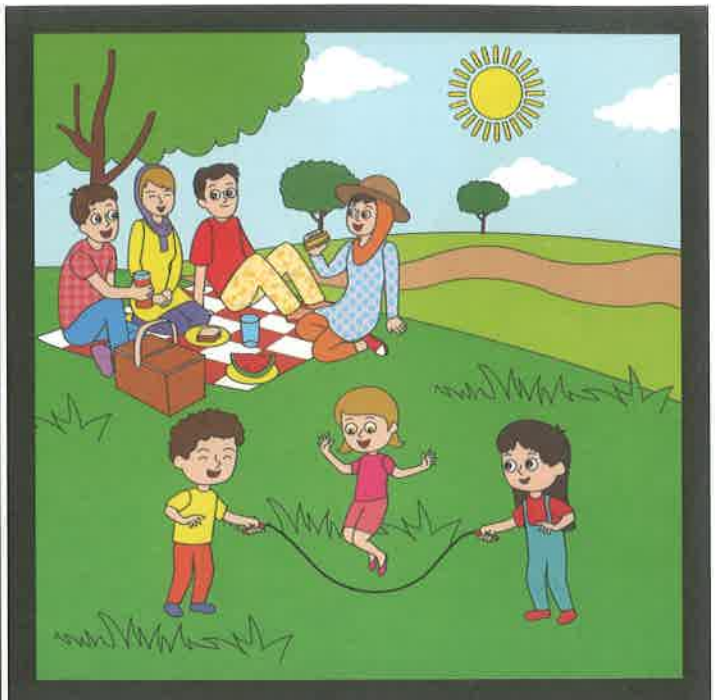
۰۹۳۳۱۳۷۷۷۱۵





پسر داخل اتاقش در حال انجام تکالیف می باشد
ناگهان لامپ سوخت و اتاقش تاریک شد
پدرش آمد تا لامپ اتاقش را عوض کند
او از نردبان بالا رفت و لامپ را عوض کرد





دو خانواده برای تفریح به دشت رفته اند. بچه ها با هم بازی می کنند
 آن ها وسایل را جمع کردند و آماده ی برگشتن به خانه شدند. بچه ها از این که زباله ها را روی زمین ریخته
 بودند ناراحت شدند
 آن ها تصمیم گرفتند زباله ها را در کیسه ی زباله جمع کنند
 بچه ها کیسه های زباله را به پدر و مادرشان دادند که با خود ببرند و در سطل زباله بریزند





مادر گوشت را چرخ می کند. او می خواهد کتلت درست کند
مادر کتلت ها را سرخ می کند
مادر برای دخترش ساندویچ کتلت درست می کند
دختر در مدرسه است. او نصف ساندویچش را به دوستش می دهد

